



جغرافیای ده سیف

ده سیف که امروز با مزرعه شفیع آباد مجموعاً در حدود ۱۸۵ نفر جمعیت دارد، دارای سابقه تاریخی قابل توجهی است. ظاهراً در سابق این ده بزرگترین ده کناره غربی لوت و دارای مزارع متعدد و وابسته بخود بوده است. بعدها قنات ده سیف خشک شده و این منطقه پرجمعیت به ده کوچک و فقیر امروزی تبدیل شده است که از نظر آب وابسته به مزرعه شفیع آباد است.

از نظر موقع جغرافیایی این ده در ۳ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی و ۵۷ درجه و ۵ دقیقه طول شرقی قرار گرفته است. اهمیت عرض جغرافیایی در این ده بیشتر از نظر آب و هوایی است و بالا بودن درجه حرارت متوسط سالانه این ده را باید معلول عامل عرض جغرافیایی و کمی ارتفاع این منطقه از سطح دریادانست.

ده سیف یکی از دهاتی است که به علت نزدیکی به کویر بیش از هر ده دیگر اثرات بیابانی خشک و بی آب و علف لوت را دریافت کرده و بر اثر مجاورت با بیابان لوت با مشکلات زیاد روبرو است. دیگر آنکه چون این ده بر سر راه شهداد به بیرجند قرار دارد و از قدیم راه بسیار مهم تجارتنی و پر رفت و آمد بین کرمان و خراسان بوده است به اهمیت آن می افزاید.

وضع ناهمواری

از نظر ناهمواری ناحیه ای است جلگه ای و در پست ترین قسمت لوت واقع شده است. گرچه در سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس از شهداد به عنوان پست ترین منطقه در داخله فلات ایران نام برده شده، ولی در تحقیقاتی که به عمل آمد، ده سیف با ارتفاع ۳۲۱ متر از سطح دریا، ۱۷۰ متر از شهداد پست تر می باشد. ارتفاع کم این منطقه و بادهای شن آلود کویر و گرمای شدید تابستانی باعث ناسالم بودن هوای ده مذکور شده است.

۳- در ابتدا، مالک این قلعه‌ها را برای زارعینش ساخته و بعداً همینطور زندگی در این قلعه‌ها ادامه یافته است.

۴- زارعینی که اخیراً خرده مالک شده‌اند، هنوز قدرت داشتن واحدهای مجزای مسکونی را ندارند و ناچار به صورت دسته‌جمعی زندگی می‌کنند. نمونه آن نوع مسکن دارستان و علی‌آباد است که فوقاً توصیف گردید. درحقیقت نمونه مسکن مجتمع در تمام دهاتی که در جاده بهم-دارستان قرار دارند، دیده می‌شود، درحالی که خرده مالکینی که قبل از اصلاحات ارضی نیز خرده مالک بوده‌اند، اکثراً درهرجا که باشند واحدهای مسکونی مجزایی دارند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

آب و هوا

باتوجه به عرض جغرافیایی و کمی ارتفاع از سطح دریا و مجاورت با خشک‌ترین منطقه بیابانی ایران، آب و هوای ده سیف و نواحی اطراف آن راسی توان جزو آب و هوای بیابانی دانست. در این نوع اقلیم، هوا بسیار گرم و بارندگی و رطوبت ناچیز است. طبق اطلاعات موجود در اطلس اقلیمی ایران، متوسط سالیانه درجه گرما در این نواحی ۲ تا ۲ درجه سانتیگراد است و درجه حرارت سردترین ماه سال که دی ماه می باشد، ده درجه است. در این نوع آب و هوا نوسان درجه حرارت در شبانه روز و در مدت سال زیاد است و اختلاف زیاد سالیانه و روزانه درجه حرارت از اختصاصات آب و هوای بیابانی است. درجه حرارت شب در بخش شهداد، در فصل سرد به زیر صفر هم می رسد و از اسفندماه گرما شروع می شود و متوسط روزانه از ۲ درجه بالاتر می رود. در نیمه دوم اردیبهشت، وقتی که هیأت در ده سیف اقامت داشت، حداکثر حرارت روزانه گاهی به ۴۲ درجه می رسید. این حرارت زیاد روزانه باعث ازدیاد تبخیر و در نتیجه خشک شدن منابع آبهای سطحی شده و در فقر پوشش نباتی بسیار مؤثر می باشد. از عوامل نامساعد آب و هوای این منطقه وزش بادهای نامناسب فصلی است که با خود شن همراه آورده و در پوشاندن سزارع و کثیف کردن هوا و بطور کلی سلامتی افراد این ناحیه تأثیر نامطلوبی دارد.

میزان باران سالیانه این ناحیه بطور دقیق معلوم نیست، زیرا هنوز هیچ نوع ایستگاه هواشناسی مناسبی وجود ندارد، ولی باز باتوجه به اطلس اقلیمی ایران، متوسط سالیانه باران به حدود ۱۰۰ میلی متر می رسد.

پوشش گیاهی

باتوجه به خشکی زیاد ده سیف که نزدیکترین ده به مرکز کویر می باشد پوشش گیاهی این منطقه از تعدادی نباتات بیابانی تجاوز نمی نماید. بین نباتاتی که به عدت ظاهر نسبتاً بزرگ خود در این نواحی بیابانی جلوه ای خاص دارد، گز است که اصطلاح علمی آن Tamarisk است. این درختچه ها که در مقابل خشکی زیاد مقاومت می نمایند، بر روی تپه های شنی و در بستر خشک رودخانه ها با فواصل زیاد روئیده و گاهی جنگلهایی طبیعی تشکیل می دهند.

اهمیت بوته گز بیشتر از نظر سهمی است که این گیاه در مساحت از حرکت ماسه‌های روان دارد و از توسعه کویر به مزارع و مساکن جلوگیری می‌نماید. دیگر از گیاهان خاص کویری که در تثبیت ماسه‌های روان مؤثر هستند اسکمپیل و تاغ است که باز به علت سازگاری این گیاهان با آب و هوای خشک در این نواحی زیاد دیده می‌شود.

خصوصیات اجتماعی ده سیف

۱- ساختمان جمعیت (توزیع جنسی و سنی)

بنابر مطالعات ما که در اردیبهشت ماه سال ۱۳۴۷ به عمل آمد، جمعیت ده سیف و شفیع آباد بالغ بر ۱۸ نفر می‌باشد. از ۱۸ نفر ۱۰ نفر یا ۵۵ درصد از جمعیت مرد و ۸ نفر یا ۴۵ درصد از جمعیت زن بوده‌اند. بنابراین برای هر صد نفر مرد فقط ۸۰ نفر زن وجود دارد و نسبت جنسی برابر ۱۱۷ است.

در هنگام تولد نسبت جنسی برابر ۱۰۵ می‌باشد، یعنی در برابر هر ۱۰۰ نفر نوزاد دختر ۱۰۵ نفر نوزاد پسر قرار دارد. مقایسه این نسبت با نسبت جنسی در ده مورد مطالعه نشان می‌دهد که جمعیت ده از این نظر نامتعادل و عده مردان بیشتر از عده زنان است. اگر نسبت جنسی را در گروه‌های سنی مختلف در نظر بگیریم معلوم می‌شود که در سنین کم‌تر از ۱۰ سال برای هر ۱۰۰ نفر مرد ۷۵ نفر زن وجود دارد و نسبت جنسی برابر ۱۳۳ می‌شود. این امر ممکن است به روحیه سنت قدیمی که به اولاد پسر بیشتر اهمیت داده می‌شود و در سراقبت و نگاهداری او جدیت بیشتری به خرج می‌دهند، مربوط باشد.

در گروه سنی بین ۱۰ تا ۱۶ سال برای هر ۱۰۰ نفر زن ۱۰۸ نفر مرد وجود دارد. دوسه علت ممکن است سبب چنین وضعی گردد. یکی مهاجرت گروه‌های فعال مرد و دیگری رفتن به خدمت زیر پرچم می‌باشد که باعث کم شدن تعداد مردان و برقراری تعادل سنی می‌گردد.

در گروه‌های سنی بالاتر از ۱۶ سال، برای هر ۳ نفر مرد ۱ نفر زن وجود دارد و علت آن هم ممکن است مرگ زودرس زنان بر اثر باروری زیاد و برگشت نیروهای فعال به ده و بالاخره اختلاف سن ازدواج بین زن و مرد باشد. یکی دیگر از خصوصیات جمعیتی این ده جوانی آنست

که از اختصاصات بارز کشورهای کم توسعه می باشد. چون ۷ درصد از افراد، در این ده کمتر از ۲ سال دارند.

۲- تغییرات جمعیت

از مقایسه آمارهای جمعیتی این ده مربوط به سال‌های ۱۳۳۲ و ۱۳۳۵ معلوم می شود که جمعیت این ده نه تنها رشدی نداشته بلکه ۶ نفر هم کم شده است. مقایسه ارقام سال ۱۳۳۵ و سال ۱۳۴۵ نیز نشان می دهد که در طی مدت ده سال جمعیت این ده نه تنها رشد طبیعی خود را نداشته بلکه ۲ نفر هم از تعداد جمعیت سال ۱۳۳۵ کاسته شده است. مقایسه ارقام سال ۱۳۴۵ و سال ۱۳۴۷ معلوم می دارد که در عرض دو سال اخیر هم باز ۹ نفر از جمعیت این ده کاهش یافته است.

تفسیری که از تغییرات جمعیت در عرض سه دوره مختلف سرشماری می توان نمود اینست که عامل اصلی کم شدن جمعیت در دوره اول مهاجرت زارعین به نواحی دیگر بوده است. انگیزه تملک زمین که بر اثر اجرای قانون اصلاحات ارضی، در دوره دوم پدیدار گردید، سبب ثابت نگاه داشتن جمعیت در طی دوره دهساله دوم بوده است. در دوره سوم به علت اینکه فقط زارعین مالک ۲ حبه از ۶ حبه ده گردیدند و به علاوه نصف این ده موقوفه و به موجب قانون اصلاحات ارضی مرحله دوم می بایستی به اجاره داده شود و چون مقدار اجاره خیلی بیشتر از حق السهمی است که سابقاً زارعین می پرداختند، بنابراین ده را ترك گفته اند.

۳- مهاجرت

باتوجه به بحثی که در مورد تغییرات جمعیت انجام شد، ده سیف روستایی مهاجر فرست می باشد. بطور کلی تمام مردان ده حداقل برای مدت ۴ ماه در سال برای کارگری ده را ترك می نمایند. علاوه بر آن، مقایسه جمعیت در سالهای ۱۳۳۲ و ۱۳۳۵ و ۱۳۴۵ و ۱۳۴۷ نشان می دهد که حداقل در حدود مقداری که بایستی بطور طبیعی به جمعیت اضافه شود، هر سال از ده مهاجرت نموده اند. صرف نظر از کرمان و دهات اطراف آن، مهمترین قطب جذب مهاجرین غیر فصلی دو منطقه جیرفت و بندرعباس است که از چند سال، به این طرف به علت فعالیت های عمرانی

وسیع می که در آنها شروع شده است، افراد مهاجر را جذب می نماید.

۴- علل مهاجرت

شرایط نامساعد طبیعی، پایین بودن بازده در واحد سطح، کمی کارایی زارعین، نداشتن سرمایه و عدم تکافوی درآمد یکسال برای اسرار معاش خانوار، آنها را وادار می کند که برای تأمین کسر هزینه زندگی به جاهای مختلف مهاجرت نمایند. خدمت سربازی و ازدواج نیز دو عامل کم اهمیت تر برای مهاجرت می باشد.

۵- جمعیت فعال

طبق استاندارد بین المللی، جمعیت فعال را گروه سنی بین ۱۵-۶۵ سال تشکیل می دهد. اگر میزان سزبور را قبول کنیم ۸۷ نفر یا ۷۱ درصد از جمعیت در این گروه قرار دارد. ولی بایستی توجه داشت که در جامعه روستایی ایران بخصوص در مناطقی که از نظر اقتصادی عقب مانده است، بدین ترتیب نمی توان حدی قائل شد، زیرا آنان بچه های خود را از سن ۷ سالگی به کارهای اقتصادی و می دارند و انتهای سن هم فقط حدود مرگ و یا نوعی از کار افتادگی است که منجر به ازدست دادن عضوی گردد و یا اینکه به کلی زمین گیر شود. از ۱۱۷ نفر افراد فعال ۷۱ نفر یا ۸۱ درصد آنها شاغل می باشد.

۶- ازدواج

۲۸۹ درصد از افراد این ده کمتر از ۱۱ سال دارند از ۱۱۱ درصد بقیه که از ده سال به بالا دارند ۸۴ درصد دارای همسر می باشند و ۲۳ درصد هم مجردند. متوسط سن متأهلین مرد ۸ سال و متوسط سن متأهلین زن ۹ سال است و این خود معرف آنست که سنت رایج در روستاها که ازدواج در سن کمتر از ۲ سال می باشد، در این روستا تغییر کرده است و به علت فقر، اجباراً در سن خیلی بالاتر از آنچه سابق مرسوم بوده ازدواج می نمایند.

۷- وضع سواد

اگر کسانی را که خواندن و نوشتن می دانند با سواد بدانیم، در حدود ۵ درصد از افراد

باسواد بودند. در این ده تا این تاریخ سپاهی دانش ویا آموزگار فرستاده نشده است و مدرسه هم ندارند. از همه مهمتر، ضمن مصاحبه با آنها معلوم شد که از نظر اقتصادی تمایل زیادی هم برای فرستادن بچه های خود به مدرسه ندارند.

۸- مسکن

در این ده دو نوع مسکن وجود دارد: زمستانی و تابستانی. مسکن زمستانی در دو قلعه است که یکی در ده سیف و دیگری در شفیع آباد قرار دارد. چون در گذشته اهالی این ده مورد تهاجم بلوچها قرار می گرفتند، ساختمان قلعه از نوع قلاع دفاعی و نظامی است. اهالی ده بر حسب تعداد نفراتی که هر خانوار دارد، در اطاقهای متعدد قلعه ساکن می شوند. بطور متوسط هر خانوار دارای ۲ اطاق، ۱ طویله و ۱ کاهدان می باشد. در قلعه ها انسان و حیوان در مجاورت یکدیگر زندگی می کنند. مصالح ساختمانی به کار رفته از خشت و گل است، نمای خارجی قلعه دارای نقش هایی است که از خشت درست شده است. این نقش را در دهات دیگر کمتر می توان دید. قلعه به علت عدم توجه و مرمت لازم کمی مخروبه به نظر می رسد و هر کدام دارای چهار برج است که هر برج چهار متر از پشت بام ارتفاع دارد. سقف خانه ها مثل سایر ساختمانهای کویری گنبدی است.

مسکن تابستانی، برعکس مسکن زمستانی با استفاده از گیاهان بیابانی برای مقابله با گرمای شدید تابستان در این نواحی ساخته شده است. بدین معنی که سقف آن از برگ خرما و دیوارهای آن از ورك پوشیده شده و چون این خانه ها را در جهت باد بنا می کنند، با پاشیدن آب بر روی وركها و وزش باد، به آن، به صورت کولر طبیعی در می آورند و به این ترتیب خود را از گرمای شدید تابستان نجات می دهند.

نهاد های اجتماعی

۱- ابعاد خانوار

کل جمعیت ده سیف و شفیع آباد بالغ بر ۱۸ نفر است که شامل ۵ خانوار می شود.

اکثر آنها خانوارهای هسته‌ای (زن و شوهری) می‌باشند. متوسط افراد خانوار ۷٫۳ نفر است. بزرگترین خانوار دارای ۸ نفر عضو و کوچکترین آن یک نفر عضو دارد. باید توجه داشت که با مقایسه با سایر نقاط ایران و رقم متوسط ابعاد خانوار در ایران که ۵ نفر است، چنین نتیجه می‌شود که بعد خانوار در این روستا کم است. علت عمده همانطور که گفته شد، مهاجرت می‌باشد.

۲- گروه‌ها و قشرهای اجتماعی

از زمان قدیم گروه‌های متفاوتی در این ده وجود داشته است. اختلاف بین گروه‌ها حتی منجر به اختلاف لباس* نیز گردیده است. در حال حاضر، این اختلاف فقط بستگی به انواع فعالیت زراعی دارد. بطور کلی گروه‌های اجتماعی ده سیف به شرح زیر است:

الف- زارع صاحب نسق (زعیم):

این افراد با دریافت سه عامل تولید: آب، زمین و بذر از مالک به کار کشاورزی می‌پردازند. این اشخاص دارای گاو می‌باشند و خودشان هم به کمک برزگر و گاوران، کارهای زراعی را انجام می‌دهند. از کل تولید سه دهم متعلق به آنها و هفت دهم محصول متعلق به مالک بوده است.

ب- برزگر:

برزگر کسی است که کار کشت و آبیاری را انجام می‌دهد و سی درصد از سهم زارع صاحب نسق متعلق به او می‌باشد.

برای هر یک جفت گاو یک نفر زعیم، یک نفر برزگر و یک نفر گاوران وجود دارد.

ج- خوش نشین:

هر کسی که روی گاو بند* کار نکند خوش نشین است و وی کارهای متعدد و متفرقه

* زعیم‌ها لباس‌های کرباسی آبی رنگ می‌پوشیدند و شالهای سفید رنگ هم به کمر

می‌بستند.

** گاو بند، واحد زراعی است که یک زعیم (صاحب گاو)، یک برزگر و یک گاوران

در آن کار می‌کند.

ده را انجام می دهد .

د - شتربان :

افرادی هستند که بچرانیدن شترها اشتغال دارند . در این ده سه خانوار به این کار مشغول

می باشند .

گروه های خویشاوندی

خانوارهای این ده بایکدیگر منسوب هستند و غریبه در بین آنها نیست . افراد این ده ، ده سیفی ، شفیع آبادی و مهدی آبادی نامیده می شوند . این گروهها از لحاظ اجتماعی خصوصیات ممتازی ندارند . بجز آنچه در مورد شغل بیان گردید ، اختلاف در بین آنها هنگامی پدیدار گردید که زعیما مانع عضویت برزگرها (که سهم برند) در شرکت تعاونی گردیدند .

ساختمان قدرت و سازمانهای اداری

قبل از اصلاحات ارضی ، کلیه تصمیمات به وسیله مالک گرفته می شد و از طریق نماینده مالک به کدخدا ابلاغ می گردید . زیر نظر کدخدا ، به ترتیب زارعین یا زعیما کار می کردند و بعد از آنها برزگران و گاورانها و بالاخره خوش نشینهایی که مسئول کاری در ده بودند قرار داشتند .

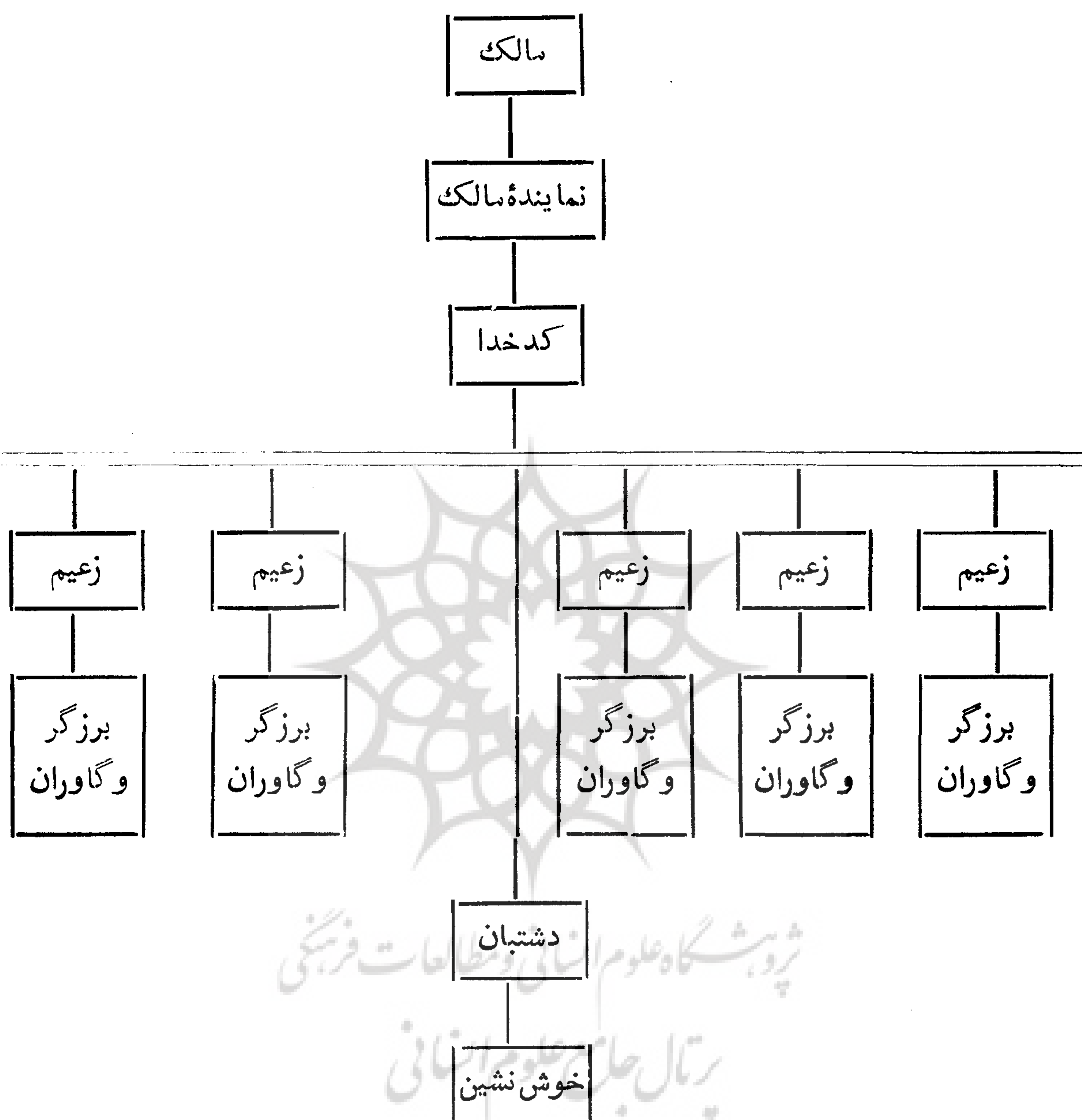
اصلاحات ارضی در تغییر ساختمان قدرت ، به ویژه در جامعه روستایی تأثیر فراوان داشته است . بدین معنی که مالک و نماینده او و بالاخره کدخدا در این ده دیگر نقشی ندارند . این زعیما است که باید تصمیم بگیرد که کدام محصول را تولید نماید و چه موقع درو کند و در چه موقع خرمن را کوبیده و بردارد . بر طبق قانون اصلاحات ارضی مرحله دوم فقط هنگام برداشتن خرمن است که مالک برای دریافت اجاره به زارع رجوع می نماید .

۱- انجمن

در سال ۱۳۴۳ باراهنمایی و کمک اداره عمران استان کرمان ، انجمن ده با شرکت اهالی

ده سیف و شفیع آباد تشکیل گردید ، مهمترین فعالیت انجمن ده جمع آوری صدی دو عمران است .

نمودار شماره ۱ ساختمان قدرت در ده سیف



عوائد سه سال انجمن بالغ بر ۱۰۰۰ ریال گردیده که باین پول اقدام به احداث آب انبار برای آب آشامیدنی اهالی نموده اند.

۲- شرکت تعاونی

الزام قانون مندرج اصلاحات ارضی مرحله اول سبب گردید که در سال ۱۳۴۳ یعنی همزمان با اجرای قانون اصلاحات ارضی، شرکت تعاونی به نام دولت آباد تکاب تأسیس گردد.

چون دفتر این شرکت در دولت آباد است، بنابراین نام شرکت هم به اسم دولت آباد می باشد. با آنکه مأمورین دولت سه بار به ده آمدند و هر بار راجع به مزایای تشکیل شرکت صحبت کردند و برای آنها تشریح نمودند که برای گرفتن زمین حتماً باید عضو شرکت باشند، با این حال ابتدا عده نسبتاً زیادی علاقه مند به عضویت در شرکت تعاونی نبودند. ۲۵ روز پس از آخرین سفر مأمورین به ده شرکت تعاونی با عضویت عده معدودی تشکیل گردید و به ثبت هم رسید. اعضاء هیئت مدیره شرکت به وسیله مأمورین نامزد گردیدند و سپس زارعین عضو به آنها رأی دادند.

ابتدا شرکت دارای ۳۷ نفر عضو بود و این ۳۷ نفر ۲۳۱ سهم خریده بودند. سرمایه شرکت در بدو تأسیس ۱۴۱۰۰ ریال بود که ۱۱۰۰۰ ریال آن از محل خرید سهام به وسیله اعضاء و یکصد و سی هزار ریال آن به وسیله سازمان مرکزی تعاون روستایی تأمین شده بود. در سال گذشته (۱۳۴۶) با شرکت دهات بیشتری در شرکت تعاونی تعداد اعضاء بالغ بر ۹ نفر گردید. تعداد سهام از ۲۳۱ سهم به ۲۳۵۴ سهم رسید. سرمایه شرکت از ۱۴۱۰۰ ریال به ۶۷۷۰۰ ریال افزایش یافت که از آن ۱۱۷۷۵ ریال یا تقریباً ۱۱ درصد متعلق به زارعین و ۸۹ درصد متعلق به سازمان مرکزی تعاون روستایی ایران است. باید توجه داشت که در عرض سه سال که از تأسیس شرکت می گذرد به تعداد اعضاء ۶ درصد و به سرمایه شرکت ۹ درصد افزوده گردیده است. افزایش سرمایه و افزایش تعداد اعضاء مربوط به دهات جدیدی است که عضو شرکت شده اند. حداقل سهم خریداری شده ۶ و حداکثر ۷۶ سهم شده اند.

اعضاء هیئت مدیره از بدو تأسیس تا کنون ثابت مانده اند. هیچ یک از آنها حقوقی از شرکت دریافت نمی دارند. فقط مدیرعامل سال گذشته ۱۰۰۰ ریال پاداش گرفته است. فعالیت این شرکت منحصر به دادن اعتبار و فروش نفت به اعضاء می باشد.

با وجود اینکه تقریباً ۵ سال از تأسیس شرکت می گذرد، هنوز سرپرست شرکت تعاونی

* در حال حاضر و آبادی دارای یک شرکت اند و آنها عبارتند از ده سیف، ولی آباد،

مهدی آباد، دولت آباد، علی آباد، علی رضا خان، شجاع آباد، شیرین آباد و حسین آباد.

امور شرکت را انجام می دهد. پرداخت وام توأم با راهنمایی فنی در زمینه کشاورزی نبوده و سرپرست فقط به حسابداری و نظارت در اعطای وام می پردازد. در زمینه تربیت و آماده ساختن اعضاء شرکت در امور تعاونی که عامل اصلی موفقیت شرکت بشمار می رود اقدامات کافی صورت نگرفته است.

شرکت در دوره فعالیت خود زیانی نداشته و در سال اول درآمدی معادل ۸۲۶ ریال و هزینه ای معادل ۲۴۸ ریال داشته است. در سال گذشته درآمد ۲۷۴۹۳ ریال و هزینه ۲۲۷۸۱ ریال بوده و در نتیجه سود خالص شرکت برابر ۴۷۱۲ ریال شده است.

مشکلات شرکت، دورافتادگی، بدی راه، بی اطلاعی اعضاء از کارهای اجتماعی، بی موقع دادن وام، کوتاه بودن مدت وام، بی سواد بودن اعضاء هیئت مدیره و بی اطلاعی آنها از حسابداری می باشد.

۳- تأسیسات

ده سیف حمام و مسجد و درمانگاه ندارد و در آن از بهداشتی و پزشکی و سپاهی دانش و بهداشت و ترویج و بهیار و دهیار خبری نیست و مردم اگر مریض بشوند یا باید با پیمودن ۲ کیلومتر راه به شهداد بروند، یا با پیمودن راه بسیار طولانی تر به اندوچرد مسافرت نمایند.

خصوصیات اقتصادی

عوامل نامساعد طبیعی مانند نامرغوب بودن جنس خاک و خشکی آب و هوا، باد، سیل و نبودن بادشکن و سیل بند، پایین بودن سطح تکنیک و کوچک بودن کشتزارها و تراکم بیش از حد جمعیت بر روی کشتزارهای بسیار کوچک، در مقایسه با آبادیهای مناطق شمال شرقی ایران مانند آبادیهای مشهد و سبزوار (متوسط اندازه مزارع ۱۱۴۸ هکتار در سبزوار و ۱۱۳ هکتار در مشهد می باشد) سبب گردیده است که سهمترین فعالیت خانوار، یعنی کشاورزی به صورت بسیار ابتدایی و در سطحی پایین تر از «بخورنمیر» باشد. وضع طوری است که زارعین برای ادامه زندگی در عرض سال ناچارند بلافاصله پس از کوبیدن خرمن راه کرمان و سایر شهرها را برای کارگری در پیش گیرند.

عوامل تولید

بدون شک درچنین مرحله‌ای از اقتصاد ، عوامل تولید ، جز وسایل بسیار ابتدایی و باستانی رایج ، چیز دیگری نمی باشد.

۱- زمین

به علت نداشتن سرمایه و عدم آشنایی به روشهای جدید کشت و داشت و برداشت، زمین مهمترین عامل تولید بوده و غیرقابل جانشین شدن می باشد. بدین جهت تملک زمین نه تنها عامل بسیار مؤثری در میزان تولید خانوار است ، بلکه در تعیین قدرت و حیثیت اجتماعی آنها نیز نقش مهمی را ایفا می کند. زارع اگر بدون زمین و وسیله کشت و زرع شد ، هراقدامی که در جهت بالابردن سطح زندگی او بشود، اثر قطعی و ثابت نخواهد داشت.

الف) مالکیت - قسمتی از ده مورد مطالعه موقوفه و بقیه آن به صورت خورده مالک و متعلق به چند نفر کرمانی می باشد. بر اثر اجرای قانون اصلاحات ارضی مرحله اول ، ۲ حبه* از کل ۶ و ۹ حبه که متعلق به یکی از خورده مالکین بوده به اداره اصلاحات ارضی فروخته و اداره اصلاحات ارضی آن را در بین زارعین تقسیم نموده است و به طور متوسط هر زارع صاحب نسق که موفق به دریافت زمین شده ، سالانه مبلغ ۷۴ ریال بابت بهای زمین می پردازد. به غیر از ۲ حبه از کل ۶ و ۹ حبه ده که متعلق به زارعین صاحب نسق است ، بقیه ده نیز بر طبق قانون اصلاحات ارضی مرحله دوم، قرار است که به زارعین صاحب نسق اجاره داده شود .

ب) روابط مالک و زارع قبل از اصلاحات ارضی - قبل از اصلاحات ارضی ، بر طبق سنت رایج . ۱ و ۷ از محصول متعلق به مالک بوده که آب ، بذر و زمین ، در اختیار زارع می گذارده است و . ۱ و ۳ محصول متعلق به زارع بوده که عامل کار و گاو را به کار می برده است .

تقسیم گاه با تقسیم گندم وجود متفاوت می باشد. بدین معنی که کل گاه به دو قسمت می شده

* حبه مقیاس زمین است که مقدار آن در نواحی مختلف فرق می کند.

است: نصف متعلق به مالک و نصف متعلق به زارع بوده است.

ج) اجاره زمین - با توجه به آنچه در فوق گفته شد، هر جفت گاو بایستی ۸۴۰۰

ریال بابت اجاره به مالک به پردازد و در مورد سهم اوقاف وضع متفاوت است، زیرا سازمان اوقاف دولتی و اداره اصلاحات ارضی در وصول و افزایش اجاره به علت دولتی بودن پافشاری می کند. بنابراین زارعین بایستی اجاره بیشتری به پردازند. بدین معنی که هر جفت بایستی به جای ۸۴۰۰ ریال ۱۰۴۰۰ ریال به پردازند.

د) اندازه کشتزارها - اراضی زیر کشت این ده به ده جفت (گاو بند) تقسیم می شود.

هر جفت به طور متوسط، دارای ۲ هکتار زمین می باشد. در حدود نصف از این اراضی هر سال کشت و بقیه به آیش گذاشته می شود. در روی این مقدار زمین، سه نفر که هر یک دارای وظائف متفاوت و بایستی هزینه یک خانوار را به پردازد، کار می کنند مجموع اراضی زیر کشت و آیش ده بالغ بر چهل هکتار است.

ه) آیش زمین - با اینکه مقدار زمینهای زیر کشت کم و درآمد حاصله از آن به هیچ

وجه تکافوی هزینه های جاری و تأمین معاش خانوار زارع را نمی کند و روستاییان ناچارند، حداقل چهار ماه از سال را در خارج از ده به کارگری مشغول شوند، تا بتوانند هزینه زندگی خود را تأمین نمایند، باز زارعین مقداری از زمینهای خود را به آیش می گذارند و آن صرفاً به علت عدم آشنایی به روش های جدید کشت و داشت و برداشت و عدم استعمال کود و ضعف بنیه مالی آنان می باشد.

و) وضع زمین مورد تصرف از نظر طبیعی - مثل سایر نقاط بررسی شده کشور*

بنا به مقتضیات طبیعی و سیستم آبیاری، چند قطعه و مجزا بودن زمین در این روستا هم رایج می باشد. هر خانوار مورد مطالعه که صاحب یک جفت زمین می باشد، به طور متوسط ه قطعه زمین مجزا از یکدیگر دارد. این مسئله خود از موانع اصلی پیشرفت کشاورزی است. بخصوص در مورد مکانیزه کردن کشاورزی و مبارزه با آفات.

* بررسی اقتصادی و اجتماعی روستاهای ایلام، مشهد، سبزوار، اراک، بندرعباس،

خلخال، نیشابور و بیرجند. از انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران.

با اینکه قطعه قطعه بودن زمین خانوار، موجب اتلاف نیروی کار زارعین و منابع آب می‌گردد (به خصوص از نظر تبخیر و آبی که به علت قابل نفوذ بودن خاک به زمین فرو می‌رود)، باز این وضع سبب وجود یک نوع عدالت اجتماعی است که همه خانوارها از زمین‌های خوب و بد ده استفاده نمایند.

(ز) وضع زمین مورد تصرف از نظر حقوقی - تجربه نشان داده است که مشاع بودن آب و زمین سبب می‌شود که علاقه کمتری صرف آبادانی و استفاده از این دو عامل بشود. علت این است که مشخص نیست کدام قطعه زمین به کدام شخص تعلق دارد و چه کسی باید مسئول نگاهداری و تعمیر و تنقیه قنات باشد. این مسئله به خصوص قبل از اصلاحات ارضی در دهاتی که متعلق به یک مالک بود، چندان اهمیتی نداشت و فقط گاهی در مورد مقدار زمین اختلاف بین بعضی از دهقانان بوجود می‌آمد، ولی دهات خرده مالک و دهاتی که مشمول قانون اصلاحات ارضی مرحله اول و دوم شدند، شاهد گویایی است از آنچه در فوق گفته شد، به این معنی که اغلب قنات‌ها خشک شده و یا در شرف خشک شدن است. چون کسی مسئول اداره آن نیست.

یکی از علل عمده از زمین رفتن ده سیف نیز همین خرده مالک بودن آن است. این ده بعد از اصلاحات ارضی دچار مشکلات زیادی از نظر تعمیر و تنقیه قنات بوده است، ولی بعد از ۵ سال با کمک مالکین و اداره اوقاف و خود زارعین، امسال ۱۲۰۰۰ ریال از زارعین، با درآمد ناچیزی که دارند جمع‌آوری شده تا اقدام لازم برای تعمیر قنات بعمل آید.

(ح) کیفیت زمینهای مورد استفاده - زمین‌هایی که اکنون مورد استفاده خانوارها می‌باشد، از نوع رسمی است. با وجودی که بعد از اجرای قانون اصلاحات ارضی، زارعین کود خود را بجای این که به مالک بدهند، برای زمینهای خود استفاده می‌نمایند، باز هم بازده در واحد سطح در حدود حداقل، یعنی ۸۰۰ کیلوگرم در هر هکتار است و به عبارت دیگر، دهقانان بین ۴ تا ۶ تخم محصول برمی‌دارند.

۲- منبع و میزان آب

تنها منبع آب آشامیدنی و آب زراعتی این ده قنات شفیع آباد است که بین ۳ تا ۵ سنگ

آب دارد که در حال حاضر از آن برای آبیاری اراضی شفیع آباد و ده سیف استفاده می‌شود. قناتی هم مزرعه یادگار، وابسته به ده سیف دارد که در حدود بین ۱ تا ۱٫۱ سنگ آب دارد. مقدار آب قنات همیشه یکسان نیست. در سال‌های مختلف و حتی فصول مختلف سال فرق می‌کند و با میزان نزولات آسمانی نسبت مستقیم دارد. بدون شک لاروبی و تنقیه قنات در مقدار آب تأثیر دارد. گاهی باران‌های شدید وسیل سبب پر کردن چاه‌ها و نهرهای گردد و در نتیجه هزینه تعمیرقنات افزایش می‌یابد.

قبل از اجرای مرحله دوم قانون اصلاحات ارضی کلیه هزینه‌های قنایی، از قبیل تعمیر و نوکنی و تنقیه به وسیله مالکین پرداخت می‌شد. گاهی زارعین برای لاروبی کردن نهرها مجانباً کار می‌کردند. هزینه قنایی قنات به علت نوع خاک نسبتاً زیاد است و پرداخت آن بر طبق قانون به زارعین می‌باشد. تنها مالکین برای استفاده‌ای که از آب جهت باغ‌های خود می‌نمایند، مقداری از هزینه را می‌پردازند.

در شرایط فعلی برای اراضی مورد استفاده، مشکلی از نظر تأمین آب وجود ندارد. گندم، جو و یونجه محصولات هستند که زارعین در این ده عمل می‌آورند. برای گندم و جو که به علت گرمای هوا، فصل برداشت آنها ماه دوم بهار است، آب زیادی لازم نیست و از اردیبهشت ماه تا اواسط شهریور ماه که فصل کشت می‌باشد، مقدار مختصری آب برای یونجه لازم است. بقیه آب هدر می‌رود به عبارت دیگر، هیچ نوع استفاده‌ای از آب در ۷ ماه از سال که می‌توان صیفی تولید نمود، نمی‌شود، شاید علت عمده‌ای که دست به این کار نمی‌زنند یکی ترس از بادهایی است که در این مدت می‌وزد و نبودن بادشکن است و دیگری عدم اطلاع از کشت محصولات صیفی است.

تقسیم آب بین زارعین بر اساس مقدار زمینی است که در اختیار دارند. بدین جهت بعضی از آنها ۲ ساعت و بعضی دیگر ۳ ساعت آب می‌گیرند. آب آن نمک دارد و طعم آن کمی شور می‌باشد.

۳- منابع اعتباری و میزان اعتبار و بهره پرداخت شده

قبل از اجرای قانون اصلاحات ارضی، منابع مهم اعتباری عبارت بودند از مالک،

نزول خواران، دکانداران، غیر از مالک بقیه منابع نرخ بهره بالایی داشتند. قسمت نسبتاً زیادی از حاصل فعالیت سالیانه زارعین صرف پرداخت بهره پولی می شد که قرض می گرفتند. ظاهراً مالکین بهره‌ای از زارعین دریافت نمی نمودند.

پس از اصلاحات ارضی، شرکت تعاونی و سایر منابع دولتی تا حدودی جانشین مالک گردیده‌اند، ولی نزول خواران باقیمانده و به کار خود ادامه می دهند و بهره‌های سنگینی نیز دریافت می دارند.

بطور متوسط هر یک از خانوارهای مورد مطالعه، ۶۸۰۰ ریال بدهکار است که ... ریال از آن را از شرکت تعاونی و بقیه را از نزول خواران گرفته است. نرخ بهره شرکت تعاونی برای زارعین ۶ درصد می باشد و ۱ درصد هم بابت کار مزد باید پردازند.

نرخ بهره منابع محلی بین ۱۸ تا ۳۶ درصد می باشد. در حدود ۸۵ درصد از وام های دریافتی صرف تأمین معاش خانوار گردیده است. با توجه به سطح پایین تراز «بخور نمیر» که افراد دارند. قاعدتاً صرف این مقدار از وام برای تأمین معاش طبیعی است.

۴ - نیروی کار

در شرایط موجود در روستاهای ایران و سطح پایین تکنیک، زارعین احتیاج به استخدام کارگر اضافی برای کارهای کشاورزی، آنهم برای تمام مدت سال ندارند در مناطق مختلف ایران مانند ایلام و شهداد و اراک و مبرزوار و خلخال و بندرعباس و نیشابور و بیرجند که مورد مطالعه ما قرار گرفته است، معمولاً هر خانوار دو نوع کارگر استخدام می نماید. خدمت عده‌ای از کارگران بصورت سالانه است که مزد خود را از تمام افراد ده دریافت می کنند و عده‌ای دیگر بصورت فصلی برای درو کردن استخدام می شوند.

باید توجه داشت که مقدار زمین در اختیار هر خانوار در مناطق مذکور به مراتب بیشتر از ده مورد مطالعه می باشد. علاوه بر آن، حق سهم مالک نیز از ۴ درصد محصول تجاوز نمی کند. در ده مورد مطالعه، حدود ۷ درصد از تولید از آن مالک و ۳ درصد، از آن زارع بوده است. ۳ درصد سهم زارع نیز به سه قسمت تقسیم می شود. قسمتی متعلق به زارع و قسمتی متعلق

به برزگر و قسمتی هم متعلق به گاوران می باشد . به غیر از اینها ، برای درو کردن نیز کارگر اضافی استخدام می شود که مزد آنها جنسی است و در نتیجه بطور متوسط ۳ نفر کارگر بطور دائمی بر روی ۲ هکتار زمین با بازده کم کار می کنند که باید حداقل ۲ نفر را غذا بدهند . باید توجه داشت که فقط ۳ درصد از محصول ۲ هکتار زمین به آنها تعلق داشته است .

۵- وسایل و ابزار کشاورزی

وسایل و ابزاری که در این ده بکار می رود بسیار قدیمی است . سالیان درازی است که زارع با وسایل ابتدایی کشت می کند و کمترین کوششی برای تغییر در شکل و نحوه استفاده از آنها بکار نمی برد . این وسایل عبارتند از گاو آهن ، بیل ، داس ، چان و مهمترین وسیله مورد استفاده خانوارهای مورد مطالعه وسیله شخم است . نبودن راه عدم آشنایی به وسایل جدید و کمبود سرمایه سبب شده است که تمام خانوارهای مورد مطالعه انحصاراً از حیوان برای شخم زدن استفاده نمایند .

۶- روشهای جدید کشت و برداشت

عدم اطلاع کشاورزان از روشهای جدید کشاورزی باعث شده که اولاً بازده در واحد سطح و بازده دام پایین بوده و در ثانی از نیروی انسانی که بیش از حد روی مقدار کمی زمین متمرکز گردیده استفاده کامل و صحیح نشود . در نتیجه میزان درآمد خانوارها هم بسیار کم می باشد . استفاده از کود شیمیایی ، بذر مرغوب ، روش صحیح کشت و برداشت و مبارزه با آفات نباتی که می تواند درآمد خانوارها را به میزان قابل توجهی بالا ببرد ، در این ده رایج نیست . فقط به تازگی زارعین از کود حیوانی مختصری (تعداد دام هر خانوار بسیار کم است ، یعنی هر خانوار دارای گاو و چند رأس گوسفند و بز می باشد) که دارند و سابقاً به مصرف سوختن می رساندند ، برای زراعت خود به مصرف می رسانند .

۷- عواملی که مالک در اختیار زارع گذارده است

طبق قرارداد متداول در روستاهای ایران مالک تعدادی از عوامل تولید را در اختیار

زارع می‌گذارد و این قرارداد در مناطق مختلف متفاوت بوده حتی در داخل یک منطقه هم ممکن است یکسان نباشد.

زارعین مورد مطالعه، زمین آب و بذر را بطور معمولی از مالک دریافت می‌کنند. بعضی اوقات به علت فقر و نداشتن سرمایه، مالک پول برای خرید گاو به آنها می‌داد و بعد قیمت آن را به تدریج از آنها وصول می‌کرد و یا اینکه از سهم محصول او کسر می‌نمود.

تولیدات خانوار

باتوجه به این که خانوارهای مورد مطالعه فعالیت‌هایی از قبیل زراعت دام‌داری باغداری و کارگری دارند، ولی میزان تولید هر خانوار آنقدر نیست که حتی بتواند آنها را در یک سطح «بخور نمیر» نگهدارد، ناچار بلافاصله پس از درو کردن و کوبیدن خرمن برای کار کردن به دوره می‌افتند تا بتوانند کسری هزینه زندگی خود را تأمین نمایند.

الف) زراعت - مهمترین فعالیت تولیدی خانوار زراعت است. بیش از ۹۸ درصد از اراضی خانوارهای مورد مطالعه وقف تولید گندم و جو شده است. گندم و جو در این ده به صورت آبی کشت می‌شود. به علت کمی میزان بارندگی (۱۰۰-۱۰۰ میلی‌متر بارندگی) کشت دیم در این ده انجام نمی‌شود و بطور متوسط تولید هر جفت برابر ۱۶۰ کیلو گرم گندم و جو بوده است.

قبل از اصلاحات ارضی از ۱۶۰ کیلو تولید هر جفت، ۱۱۲ کیلو متعلق به مالک و ۴۸ کیلو متعلق به زارع بود. در حال حاضر بر اثر اجرای قانون اصلاحات ارضی مرحله دوم، قرار است این ده به اجاره واگذار شود. به علت سنگین بودن مقدار اجاره باتوجه به این که هزینه قنایی نیز به عهده زارع می‌باشد، توافقی بین زارعین و مالکین نشده است. درآمد خانوار از تولید گندم و جو پس از وضع اجاره بالغ بر ۳۱۲ ریال می‌شود. البته این مبلغ تنها متعلق به زارع نیست، بلکه قسمتی آن بایستی به بزرگ‌تر و قسمتی به گاوران پرداخت شود.

در حدود ۲۱ هکتار از اراضی هر جفت به مصرف تولید یونجه می‌رسد. این مقدار زمین تولید ۷۲ کیلو یونجه می‌کند. درآمد خانوار از این طریق بالغ بر ۱۴۴ ریال می‌شود. یونجه تولیدی کلاً به مصرف دام می‌رسد.

ب) دامداری-چرای بیش از حد مراتع و کندن بوته‌ها برای سوخت نه تنها توسعه کویر را امکان‌پذیر ساخته بلکه امکان نگاهداری دام را بسیار محدود نموده است. به طوریکه در این ده هیچ یک از خانوارها گاو ماده ندارند. دام‌های موجود در این ده عبارتند از گاو کار (از نوع سیستانی)، گوسفند، بز، الاغ، مرغ و خروس.

هر خانوار به طور متوسط ۱۳ رأس گاو کار و ۱۳ رأس گوسفند و بز و ۴ عدد مرغ و خروس دارد. به علت کمبود علوفه از گوسفندها و بزها شیرمختصری گرفته می‌شود. درآمد حاصله از شیر و سو و پشم بالغ بر ۹۱۶ ریال می‌شود. از مرغ داری نیز درآمدی معادل ۱۸۰ ریال بدست می‌آورند که جمعاً میشود ۱۰۹۶ ریال.

ج) باغداری- به علت گرمی هوا تنها درختی که در ده سیف به عمل می‌آید، درخت خرما می‌باشد. قسمت عمده باغات ده به مالکین تعلق دارد که زارعین و یا خوش‌نشین‌ها کار باغبانی آنها را انجام می‌دهند و مزدی هم دریافت می‌نمایند. انواع خرما در این ده محدود است. عمده تولید به مصرف خانوار می‌رسد و قسمتی از آن را نیز با گندمی که از بزرگند می‌آورند مبادله می‌نمایند. هر زارعی به طور متوسط ۶۰۰ ریال از این راه عایدی دارد.

د) کارگری- همانطور که قبلاً گفته شد به علت تمرکز بیش از حد انسان بر روی زمین و ناساعد بودن شرایط طبیعی و پایین بودن بازده دره‌کنار و بالا بودن هزینه‌های زارعین ناچارند برای اسرار معاش به کارگری در مناطق دور از خانوار به پردازند. بلافاصله پس از برداشت خرمن برای مدتی در حدود ۴ ماه به اطراف کرمان و یزد برای کارگری می‌روند و به طور متوسط هر خانوار زارع ۴۰۰۰ ریال از این راه به دست می‌آورد.

ه) صنایع دستی روستایی- در این ده تنها صنعت دستی که وجود دارد حصیر بافی است که با استفاده از برگ خرما تولید می‌شود. نبودن بازار و احتیاج خانوارها به این نوع تولید، سبب شده است که درآمدی از این راه عاید خانوار نگردد.

درآمد-هزینه-مصرف

عدم آشنایی کشاورزان به تکنیک‌های جدید و تمرکز بیش از حد انسان بر روی مزارع

بسیار کوچک سبب گردیده است که از ظرفیت موجود، حداکثر استفاده به عمل نیاید. از طرف دیگر ضعف بنیه مالی خانوار باعث می شود که پس انداز و سرمایه گذاری هم نشود. از همه مهمتر شرایط بسیار نامساعد طبیعی باعث می شود که دورتسلسل فقر به طور دائم ادامه یابد.

الف) درآمد - خانوارهای مورد مطالعه درآمد خود را از منابع زراعت دامداری، باغداری و کارگری به دست می آورند.

جدول شماره ۱ منابع درآمد خانوار

درصد	مقدار	نوع منبع درآمد
۱۰۰	۱۰۲۵۶	جمع
۴۴	۴۵۶۰	زراعت
۳۹	۴۰۰۰	کارگری
۱۰٫۷	۱۰۹۶	دامداری
۶٫۳	۶۰۰	باغداری

زراعت با تولید ۴۴ درصد از درآمد خانوار، سهمترین منبع درآمد و سپس کارگری با تولید ۳۹ درصد و دامداری با تولید ۱۰٫۷ درصد و باغداری با تولید ۶٫۳ درصد، به ترتیب منابع درآمد را تشکیل می دهند.

ب) هزینه - در این مرحله از اقتصاد که زارعین ده سیف قرار دارند، فقط می توانند هزینه های جاری را پردازند. پس انداز و سرمایه گذاری به منظور درآمد بیشتر و هزینه های متنوع تر برای آنها مطرح نیست. همانطور که قبلاً گفته شد، بیش از ۸ درصد از وام دریافتی فقط برای تأمین معاش خانوار به مصرف رسیده و بقیه برای هزینه های جاری بوده است.

جدول شماره ۲ متوسط هزینه های پرداختی خانوار

درصد	مقدار	نوع هزینه
۱۰۰	۳۶۱۶	جمع
۴۱٫۵	۱۵۰۰	هزینه زراعت
۳۳٫۱	۱۲۰۰	هزینه قنات
۲۵٫۴	۹۱۶	هزینه دامداری

۱۰۴ درصد از هزینه‌های پرداختی خانوارهای مورد مطالعه مربوط به زراعت و ۳۳ درصد برای تنقیه و تعمیرات پرداخت شده که سابقاً سالک می‌پرداخت و ۲۰ درصد از هزینه‌ها نیز برای دامداری به مصرف رسیده است.

ج) مصرف - پرداختهای خانوار برای انواع کالا بوده است. مقداری از پرداختی خانوار برای مواد غذایی و بقیه برای کالاهای غیر غذایی صرف شده است. بطور متوسط ۱۴۰۷۰ ریال برای خوراک و پوشاک مصرف نموده است و ۱۰۶ ریال یا ۱۱ درصد صرف خرید پوشاک و نفت و سیگار و توتون شده است و ۱۲۵۱ ریال یا ۸ درصد صرف مواد غذایی گردیده است.

جدول شماره ۳ نوع و میزان مصرف

درصد	مقدار	نوع مصرف
۱۰۰	۱۴۰۷۰	جمع
۱۱	۱۰۶۰	پوشاک - نفت - سیگار - توتون
۸۹	۱۲۵۱۰	مواد غذایی

د) دریافتی و پرداختی - درآمد خانوار از فعالیتهای تولیدی و کارگری بالغ بر ۱۰۲۵۶ ریال گردیده و ۴۰۰۰ ریال از شرکت تعاونی و ۲۸۰۰ ریال هم از منابع محلی با پرداخت بهره بالا دریافت گردیده است. مجموع دریافتی خانوار ۱۷۰۵۶ ریال می‌گردد.

جدول شماره ۴ نوع و میزان دریافتی خانوار

درصد	مبلغ	شرح
۱۰۰	۱۷۰۵۶	جمع
۶۰٫۱	۱۰۲۵۶	درآمد فعالیت‌های تولیدی و کارگری
۲۳٫۴	۴۰۰۰	درآمد شرکت تعاونی
۱۶٫۵	۲۸۰۰	درآمد سایر منابع وام دهنده

پرداختی خانوار شامل هزینه‌های زراعی، دامداری و آبیاری است که بالغ بر ۳۶۱۶ ریال می‌شود و به‌طور متوسط هر خانوار مبلغ ۱۴۰۷۰ ریال برای سواد غذایی و پوشاک و نفت و توتون و سیگار مصرف کرده است که جمع آن ۱۷۶۸۶ ریال می‌شود.

جدول شماره ۵ نوع و میزان پرداختی خانوار

شرح	مبلغ	درصد
جمع	۱۷۶۸۶	۱۰۰
هزینه‌های زراعی، دامداری و آبیاری	۳۶۱۶	۲۰٫۵
هزینه‌های خانوار	۱۴۰۷۰	۷۹٫۵

از مقایسه ارقام فوق این‌طور استنباط می‌گردد که نه تنها خانوار نمی‌تواند پس‌انداز بنماید، بلکه در حدود ۷۴۳ ریال هم کسری دارد. این کسری بصورت وام از منابع مختلف از جمله شرکت تعاونی یا نزول خواران محلی تأمین می‌شود.

شاید در سالهایی که محصول خوب است بتوانند موازنه‌ای ایجاد کنند، ولی در صورتی که محصول خوب نباشد، بیم آن هست که این کمبودها مرتباً بر میزان وام زارع بیفزاید و زارع ناچار شود که زراعت را ترك و به شهر مهاجرت نماید. گرچه در حال حاضر برای مدت چهار ماه برای کارگری به شهر روی می‌آورد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
کل درآمد خانوار ۱۰۲۵۶ ریال می‌باشد. از این مبلغ بایستی هزینه پرداختی که ۳۶۱۶ ریال است کسر نمائیم. در نتیجه درآمد خالص خانوار بالغ بر ۶۶۴۰ ریال و درآمد سرانه برابر ۱۷۹۳ ریال می‌گردد.

شاید کشاورزان در ذکر ارقام و هزینه کمی اغراق گفته باشند، ولی نوع کار و روشهای متداول و وسایل مورد استفاده آنها خود معرف آنست که تأمین هزینه‌ها بادرستی که آنها به دست می‌آورند به نظر نمی‌رسد.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۹ - دور نما، شهر آباد



شکل ۱۰ - نخستان ماسه گرفته دردهات تکاب



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۱۱- نمونه‌های از نخلستانهای شفیع آباد

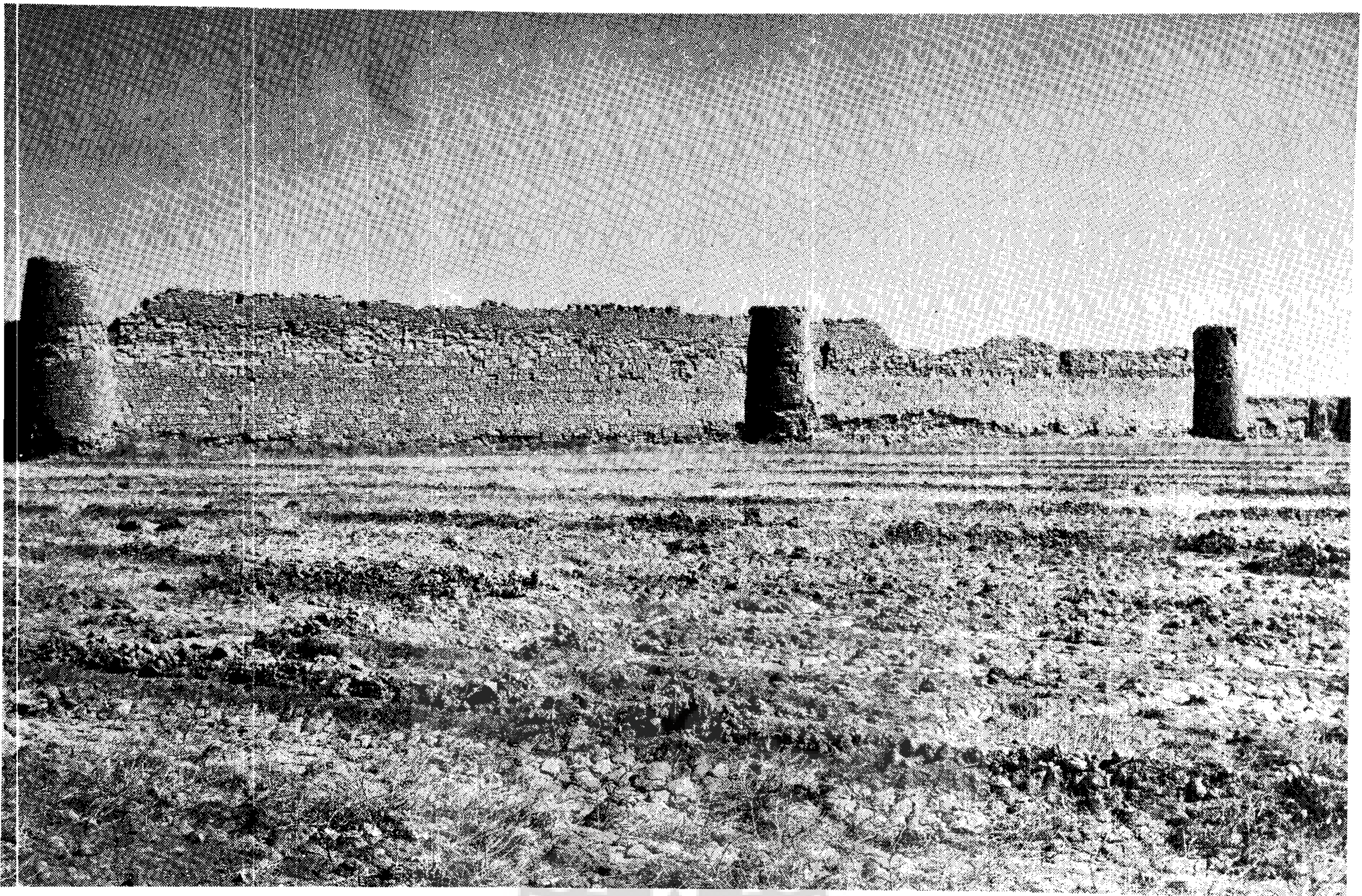
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۱۲- کشاورزی با آب چاه عمیق در دهنه نو



پرو، شہسکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۱۳- نمونه‌ای از قلعه‌های قدیمی دهات تکاب



شکل ۱۴- کویر و کلوت در مشرق ده سیف